



چشم و گوش بسته

م.س

فیلم چشم و گوش بسته دومین اثر کمدی فرزند مومن است که به نظر می‌رسد ساخته شدن آن برای تداوم فیلمسازی او از لحاظ مالی اجتناب‌ناپذیر باشد.

«چشم و گوش بسته» اساسا فیلم بدی نیست. یک فیلم در گونه زوج هنری است که گهگاه می‌تواند لبخندی بر لب بیاورد.

فیلم، داستان دو شخصیت که یکدیگ نابینا و دیگری ناشنواست را روایت می‌کند. شخصیت ناشنوا (امین حیایی) مغازه فروش لوازم آرایشی دارد. یک روز مردی سراسیمه به مغازه او می‌آید و کیفی فلزی را در آن جا پنهان می‌کند. سپس زنی با چهره اغواگر و چرم پوش (آناهیتا درگاهی) با شلیک گلوله او را به قتل می‌رساند؛ اما حیایی نمی‌شنود و در نتیجه دیر متوجه می‌شود و فقط لحظه آخر کفش‌های چرمی زن را می‌بیند. از سوی دیگر شخصیت نابینا (بهرام افشاری) صدای گلوله را می‌شنود.

در شرایطی که این دو با جنازه رو به رو می‌شوند، پلیس سر می‌رسد و به اشتباه آن‌ها را دستگیر می‌کند. داستان در یک روز از صبح تا عصر روایت می‌شود. دو کاراکتر اصلی فیلم از صبح درگیر ماجرای می‌شوند که در آن بی‌گناهند و در یک نصفه روز تلاش می‌کنند تا بی‌گانه‌ی خود را ثابت کنند. پیرنگ ماجرا بر سر دستیابی به یک کیف اسرارآمیز استوار است. قهرمان‌های فیلم و خلافکاران همه به دنبال کیف هستند؛ قهرمانان برای نجات خود و اثبات ماجرا به پلیس و خلافکاران نیز به دستور رئیسشان. در این میان با ادای دینی به فیلم «پاپ لیکشن» محتوای کیف تا آخر هم معلوم نمی‌شود. هر بار که در کیف باز می‌شود، دوربین ری‌آکشن شخصیت‌ها را می‌گیرد و نور سبزی که از کیف ساطع می‌شود سبب می‌شود تا احتمال دهم الماسی ناپاب درون کیف است.

هر کدام در کنار نقاط ضعف خود نقاط قوتی هم دارند که به کار می‌آید. حیایی با آن که نمی‌شنود اما توانایی لب‌خوانی حتی از فواصل دور را دارد. همین قابلیت است که سبب کشف مکان قرارها از زبان خلافکاران می‌شود؛ از سوی دیگر افشاری که نمی‌بیند قابلیت برپایی عجیبی دارد به طوری که با بو کردن افراد حقایق زیادی را درباره آن‌ها می‌فهمد. علاوه بر آن او که قبل‌تر ورزش بوکس فعالیت داشته و در همین راه چشمانش را از دست داده، قدرت مشت‌زنی بالایی دارد و اگر درست هدایت شود ضربات ویران‌کننده‌ای به حریفش می‌زند.

خلافکاران فیلم هم یک زوج دو نفره متشکل از آناهیتا درگاهی و پوریا پورسرخ هستند. درگاهی با شمایلی از یک قم فتال که در عین حال قاتل است قبلا هم در سینمای ایران و هم جهان نمونه‌های بسیاری داشته است. از طرف دیگر پورسرخ با شخصیتی پرداخت نشده و بازی بسیار بد سبب شده تا تیم سمت خلافکاران یک شکست کامل در مقابل تیم قهرمانان داستان و همکاری پرداخت شده‌شان به حساب بیایند. رئیس این‌ها مانی حقیقی است که به شکلی کنایه‌ناباست. نابینایی او اما برخلاف نابینایی افشاری د کورتاویو است و آن‌چنان به کمک پشیرد درام نمی‌آید؛ مگر در یک صحنه بامزه مقابل این دو.

کمدی فیلم، گاهی کلایمی است و گاهی نزدیک به المان‌های کمدی اسلپ استیک. بهرام افشاری به دفعات به در و دیوار می‌خورد. تعداد این شوخی‌های فیزیکی قدری زیاد است و مخاطب از جایی ممکن است با خود فکر کند دیگر چقدر به زمین خوردن یک فرد کور بخندم؟ کمدی‌های کلایمی نیز گاهی لنگ می‌زند. به طور کلی دیالوگ نویسی فیلم در برخی قسمت‌ها مشکل دارد و بعضی دیالوگ‌ها مشخصا برای بازیگر نوشته نشده‌اند. برای مثال دیالوگ‌های لیندا کیانی به بدترین شکل ممکن بیان می‌شوند. همین موضوع لحظات کمیک دیگر را هم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و باعث می‌شود فیلم از بالانس مناسب یک کمدی خارج شود.

پایان‌بندی فیلم نیز غافلگیر کننده است. در شرایطی که به نظر می‌رسد یکی از پایان‌بندی‌های آیکسی کمدی‌های تجاری باانزاسان را می‌کشد، فیلمنامه با چرخشی مناسب کاراکترها را در موقعیت جدیدی قرار می‌دهد؛ موقعیتی که باعث می‌شود با اتمام طرح و توطئه فیلم، داستان تمام نشود و همچنان ادامه داشته باشد. شاید فضای عاشقانه پایانی فیلم بین لیندا کیانی و امین حیایی خام و قابل تصور باشد، اما به هر حال باید پذیرفت که «چشم و گوش بسته» مجبور است از سنت‌های سینمای تجاری تبعیت کند. هر چند که اساسا عشق بین این دو خام دستانه و پرداخت نشده و خلق الساعه شکل می‌گیرد.

«چشم و گوش بسته» را نباید چندان جدی گرفت. فیلم قرار است سرگرم کند و مفرح باشد که تقریبا در این کار موفق است.

چاپ: موسسه ایران چاپ

آدرس: قزوین، خیابان آیت اله کاشانی (باغ دیر)، کوچه آزاد، پلاک ۲، هفته نامه پیام شهر.

شماره تماس: ۳۳۳۳۱۲۴۱ | شماره: ۳۳۳۳۱۲۴۲

وب سایت: payameshahr.qazvin.ir | پست الکترونیکی: payamshahr98@gmail.com

استفاده از مطالب و عکس های نشریه با ذکر منابع آزاد است.



تئاتر عروسکی؛ بیم ها و امیدها

ما لعبتکانیم و فلک لعبت باز

چیزی که زندگی مردون شهری پرمشغله این روزها کم دارد، عنصر خیال است. غوطه ور شدن در زندگی خیال انگیز می تواند ما را از دنیای صنعتی و خشن جدا کند و به ذهن مان آرامش دهد. تئاتر عروسکی که گونه‌ای از نمایش است، این روزها به مدد این نقصان آمده و یکسال است در شهرمان قزوین اجراهای نمایش عروسکی رنگ و لعاب دلپذیری به فضای هنر شهر بخشیده است.

به این بهانه در عصر پاییزی در تماشاخانه علامه رفیعی با سه بانوی هنرمند فعال در این زمینه به گفت‌وگو نشستیم.

نسرتین عجمی که در استان بیشتر او را با بازیگری قابل توجه ش می شناسند، در دانشگاه رشته تئاتر کارپردی خوانده و از سال ۹۱ تاکنون نمایش های عروسکی «آدم برفی»، «پشت دیوار چپیه»، «بارون بارون» و «اتل مثل نازپری» را به روی صحنه برده است. آذر متفکر بازیگر و کارگردان تئاتر هم که رشته کارشناسی اش تئاتر عروسکی و کارشناسی ارشدش کارگردانی تئاتر بوده، تئاتر عروسکی را از سال ۹۰ با نمایش مربوط به پایان نامه اش «یزیزمین» آغاز کرده و بعد از آن نمایش های عروسکی «اون طرف دریاها کجاست»، «حالاچ» و «کلاه خنزر خورده» را کارگردانی کرده است. لایلا کلیایی هم که رشته اصلی هنری اش بازیگری است، طی چندسال اخیر در تئاتر عروسکی فعالیت قابل توجهی مانند «قدندی و حلقه جادو» داشته است. از این سه بانوی فعال در زمینه تئاتر عروسکی چند سوال مشترک پرسیدیم تا ببینیم وضعیت تئاتر عروسکی و نقاط قوت و ضعف آن در استان مان چگونه است.

گل اندام صفری

● اساسا تئاتر عروسکی از کجا آمده؟

کلیایی– پیشینه تئاتر عروسکی به هزاران سال قبل بر می گردد. زمانی که ماسک ها در آیین‌های مذهبی آفریقایی ها یا کاهنان معبد در مصر استفاده می‌شد. در ایران این رشته قدمتی حدود صدساله دارد و با عروسک سایه و خیمه شب بازی شروع شد؛ در واقع می‌توان گفت این نمایش از شرق به اروپا رسید.

متفکر– پیشینه تئاتر عروسکی در ایران به سیاه بازی برمی گردد که نقدهای جامعه را با شخصیت مرشد و با ابزار سفیر گوشزد می‌کرد. با این حال فکر می‌کنم ریشه این هنر به پیدایش انسان و زندگی او در غار بر می‌گردد. زمانی که نمی توانست سخن بگوید و با روشن کردن آتش و یا نقاشی کردن بر روی دیوار منظور خود را منتقل می‌کرد.

● چه شد که شما به سراغ این رشته از تئاتر با همه شیرینی ها و سختی هایش رفتید؟

کلیایی– سال ۹۳ با بچه های بهزیستی شروع به کار کردم و برایم بسیار لذت بخش بود و دیدم آنقدر دنیای این هنر زیباست که ادامه دادم. با اینکه روز اول بچه ها اصلا حریف نمی‌زدند؛ اما تلاش

هفته نامه اطلاع رسانی شهرداری قزوین

صاحب امتیاز: شهرداری قزوین

مدیرمسئول: عادلہ مهرایی

صفحه آرای و گرافیک: محمد (مرتضی) ملاعلیا



شنبه ۳ دی ماه ۱۳۹۸ | ۲۷ ربيع الثاني ۱۴۴۱ | شماره ۳۵۲

مخاطب همیشه برایم جالب بود که این امر در تئاتر عروسکی بسیار اتفاق می افتد. از طرفی در این رشته از تئاتر می توان به راحتی زوایای پنهان ذهن کاراکتر را بیرون کشید که در کار اجرای زنده و رتال این اتفاق نمی افتد. موضوع پایان نامه ام هم «تئاتر عروسکی به مثابه هنری غیرمستقل از تئاتر انسانی» بود.

● به جز این ها تئاتر عروسکی چه ویژگی های منحصر به فرد دیگری دارد؟

متفکر– در تئاتر عروسکی مرزى وجود ندارد و ذهن شخصیت ها یا مخاطب می تواند به همه جا برود؛ بنابراین خیال انگیز بودن از ویژگی‌های مهم آن است. عروسک ها در این نمایش مانند فاصله‌گذاری عمل می‌کنند و بنابراین مخاطب می‌تواند درک کند که دارد نمایش می‌بیند و از فضای احساسی بیرون آمده و فکر کند؛ از طرفی تئاتر آزاد جایی نیست که کودک بیاید بنشیند و تئاتر عروسکی مختص کودکان است.

کلیایی– ذهن بچه‌ها مثل یک زمین قابل کشت برای آموزش‌های مختلف است که تئاتر عروسکی ابزار خوبی برای آموزش این‌ بچه‌ها در فضایی مانند آموزش و پژوهش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و یا مکان‌های عمومی است. **عجمی**– اینکه در تئاتر عروسکی پدر و مادرا در کنار فرزندانشان می‌نشینند و باهم تاتر می‌بینند اتفاق خوبی است. آنها با دنیای ذهنی کودک کان‌شان بیشتر آشنا می‌شوند و بیشتر در ک‌شان می‌کنند و به زبان مشترکی برای تعلیم شان آشنا می‌شوند.

● وضعیت این هنر در قزوین چگونه است؟

عجمی– در واقع شروع تئاتر عروسکی در قزوین سال ۱۳۶۸ بود که به دبیری نادر میرزایی جشنواره تئاتر کودک با ۱۰ گروه در قزوین برگزار شد و استقبال خیلی خوبی هم از آن شد. از آن زمان فعالیت دیگری در این زمینه انجام‌نشد تا سال‌های اخیر **متفکر**– سال ۹۰ یونیم‌ا (مرکز بین‌المللی نمایشگران عروسکی) در ایران شروع به فعالیت کرد؛ اما در قزوین طی این سالها به علت تغییرات مدیریتی زیاد استان و دلایل دیگر رمفی‌نداشت و تازه یکسال‌است که به همت بچه‌های تئاتر جان تازه‌ای به خود گرفته است. پیشنهاد داده‌ام که از سال بعد به عنوان یکی از بخش‌های همایش تئاتر جوان این بخش گنجانده شود.

کلیایی– متولی اصلی تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که اجراهای زیادی ندارد. مکان عرضه دیگر مدارس هستند که ما در یکی دو سال اخیر سعی کرده‌ایم آن را در مدارس جاب‌پینداژیم و آموزش دهیم.



گرافیک در شهر



با مشارکت سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری قزوین صورت گرفت؛

نمایشگاه بزرگ طراحان گرافیک استان قزوین

نگارخانه بانو مجتمع فرهنگی هشت بهشت به واسطه نمایشگاه کانون طراحان گرافیک انجمن هنرهای تجسمی استان قزوین، ۲۱ آذر۹۸ میزبان «بزن سیفوری» طراح گرافیک نامدار ایران بود. همچنین در این نمایشگاه آثار مختلفی از طراحان گرافیک استان در معرض دید عموم قرار گرفت.



یک اثر یک تجربه



شعربوش؛ زبان رنگ ها

سپیده یزدادی

شعربوش بربرگردد به سالهای پایانی دبیرستان که تا اواسط دوران دانشجویی کش آمد تا تبدیل شود به یک نمایشگاه. .. یک نمایشگاه گروهی که این طرح و رنگ، دیده و تحسین شود. بعد از آن بود که خطوط و رنگ‌ها به جای من حرف می‌زدند. نقاشی برایم زبان رنگ‌ها بود و اشعاری که با آن رنگ‌ها در می‌آمیختند، گفت‌وگوی من بودند با مخاطب.در آن سالها، راهنمایی داشتم که مرا به خود و کارم مطمئن می‌کرد، استادی که متاسفانه دیگر بین ما نیست،سعيد سعيد نيا.

سعيد نيا، روانشناسی رنگ‌ها را خوب می‌دانست، استاد و اهل فن بود وچنان با اشتیاق از نقاشی، طرح و رنگ گفت که همان اول بار، با یم به کتابخانه دانشکده تربیت معلم، جایی که او در مقام استاد بود، باز شد و کتابی از آثار فرینده ونگوگ به رویم گشوده شد.من چنان محو نقاشی های ونگوگ شدم که دو ساعت برایم دقیقه ای گذشت و مسحور از رنگ و نقش به خانه بازگشتم.تا مدتها کارم این بود که آخر هفته ها به استاد شیفته طرح و رنگ مراجعه کنم، کارهایم را ببیند و راهنمایی ام کند.

سالها گذشت تا طرح هایم روی پارچه دیده شوند و بشوند شعربوش (پوشیده از شعر).دوستان نزدیکم که هم شاعری می کردند و هم آشنا بودند با نقاشی، شوقیقم کردند تا این حرکت ادامه دار شود و شد؛ البته پیش از پارچه، در یک صحنه هایم دیده شدند.در نمایشگاهی با عنوان «حوا سبب را خورد، گندم شد برای آدمیان»نمایشگاه عکس خوبی شد. در سال ۸۶به گماثم،بعد از ۱۲ سال همچنان عکس های آن نمایشگاه را دوست دارم و از خلق‌شان خوشحال. عکس ها، تلقیی بود از تصویر و نوشته؛ در واقع نوشته های در عکس، مانیفست (بیانیه) من بود برای آن مجموعه عکس‌ها، شعراوره ای که هنوز هم دوستش دارم. خلاصه که آن گرافیک سالیان دور، روی پارچه نقش بست و شد سه نمایشگاه نقاشی روی پارچه تا به امروز. هر نمایشگاه یک تجربه‌ی نو و یک حرکت رو به جلو برای من. پر واضح است که نمایشگاه کارهایم، جرعه تازه ای می‌زند برای طرحی دیگر؛ پس ارائه مهم است. ارائه کار همیشه نقاط ضعف و قوت را برایم آشکار می‌کند و بهترن راهنما، نگاه مخاطبین است برای کشیده شدن به سمت و سویی تازه.

جارچی

● رومینا اخوان قدس دانشجوی ارشد رشته مدیریت دولتی و کارشناس واحد حسابرسی شهرداری قزوین، رتبه اول رشته تذهیب در سی و چهارمین جشنواره ملی عترة و قرآن را از آن خود کرد.

● فراخوان سومین جشنواره داستان سال قزوین، توسط حوزه هنری استان اعلام شد. این جشنواره در دو بخش آزاد و ویژه سنت های شهر قزوین برگزار می‌شود و هر نویسنده می‌تواند با ۳ اثر در آن حضور داشته باشد. مهلت ارسال آثار تا ۱۶اسفند ۹۸ است.



● مهلت ارسال آثار برای شرکت درهمایش بزرگداشت سید اشرف الدین حسینی قزوینی انسیم شمال، تا ۲۰ اسفندماه ۹۸ است و علاقمندان می‌توانند جهت ثبت نام و دریافت فراخوان و ارسال مقالات به سایت ghazvin.farhang.gov.ir مراجعه کنند.